

## درباره دستور زبان ختنی

فاطمه جدلی<sup>۱</sup>

زبان ختنی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی است که به علت ارتباط با قوم سکایی، سکایی، و به علت متون به دست آمده آن از ختن، ختنی یا سکایی ختنی گفته می‌شود. سکاها قومی بودند که از هزاره اول پیش از میلاد مسیح تا هزاره اول میلادی، منطقه وسیعی را از کناره‌های دریای سیاه تا مرزهای چین در اختیار داشتند. این زبان به دو گویش قدیم و جدید تقسیم می‌شود که قدیم آن به خاطر داشتن حالت‌های صرفی، شبیه ایرانی باستان است، ولی گویش جدید ساده‌تر شده است: اسم بیش از چهار حالت ندارد و دستگاه فعلی نیز ساده‌تر شده است. مدارک به دست آمده از ترکستان چین نمایانگر دو گویش ممتاز این زبان است: گویش تُمَشقی در شمال غرب و گویش ختنی در شرق. این آثار تمشقی و قسمتی از آثار به دست آمده از ختن، به گویش قدیم، و باقی آثار به گویش جدید است. آثار شامل مطالب مربوط به اصول عقاید، تمثیل‌ها و روایت‌ها، اقرارنامه‌ها و توبه‌نامه‌ها، رسالات طبی، یک متن کوچک جغرافیایی، واژه‌نامه‌های چینی-ختنی و یک واژه‌نامه ترکی-ختنی است. مفصل‌ترین متن ختنی، کتاب زمبستا به شعر است.

زبان و ادبیات ختنی زیر نفوذ شدید زبان و ادبیات سنسکریت قرار گرفته است. آثار به دست آمده به خط براهمی است که سکاها آن را از هندی‌ها گرفتند و آن‌ها نیز

۱. دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی.

ظاهراً از آرامی‌ها<sup>۱</sup> اقتباس کرده‌اند. این خط مانند خط فارسی باستان هجایی است و از چپ به راست نوشته می‌شود. زبان آسی که امروزه در شمال قفقاز بدان صحبت می‌کنند بازمانده زنده زبان ختنی مغرب است.

### صرف اسم

غالب اسامی در این زبان مختوم به واکه هستند و تقسیم بین دو گروه مختوم به واکه و همخوان در زبان ختنی قدیم دشوار است و غالب ماده‌ها a- دار شده‌اند. اسامی ختنی دارای دو شمار مفرد و جمع است و شمار مثنی تنها رد پای اندکی بر جای گذاشته است، و آن‌هایی که ذاتاً مثنی هستند، پایانه‌های جمع به خود می‌گیرند و دارای سه جنس مذکر، مؤنث و خنثایند که ختنی در متون قدیم‌تر کم‌کم از بین رفته و صورت مذکر به خود گرفته است. در ختنی جدید به علت ضعیف شدن واکه‌های کوتاه پایانی، صرف اولیه دچار دگرگونی شده و نتیجتاً جنس ناپدید شده است. در حالت‌های غیر مستقیم جمع، جنسیت کاملاً از بین رفته است.

سیستم حالت‌های اسم اساساً با ایرانی باستان و هندی باستان مطابقت دارد، با این تفاوت که حالت‌ها از هشت به شش تقلیل یافته‌اند و حالت‌های اضافی - برایی و بایی - و ازی با هم مشترکند.

اسامی مختوم به واکه‌ها و واکه‌های دوگانه به گروه‌های a-، ā-، i-، aa-، āā-، ia-، ā-، ia-1، ā-، au- تقسیم می‌شوند. یادآوری می‌شود که صرف مختوم به u- در ختنی دیده نمی‌شود، زیرا اسامی مختوم به u- ایرانی باستان در ختنی به a- تبدیل شده‌اند، مانند pasa «گوسفند» > pasu ایرانی باستان. سه نمونه صرف واژه مختوم به a- (balysa- «بودا»، ā- (kanthā- «شهر») و ī- (umlysi- «رحم»):

۱. قومی که احتمالاً در اصل در شمال عربستان می‌زیستند و پیش از سده دوازدهم پیش از میلاد به تدریج به شام و بین‌النهرین و آشور و بابل راه یافتند. زبان این قوم نیز آرامی نام دارد و از زبان‌های سامی است. آرامی در جهان باستان تا قرن‌ها به عنوان زبان میانجی در مکاتبات به کار می‌رفت.

جمع	مفرد	
balysa	balysä	فاعلی
balysa	balysu	مفعولی
balysānu	balysi	اضافی - برایی
balysyaujsa	balysāna	بایی - ازی
'gyastuvo'	'cha	دری
balysyau	balysa	ندایی
kanthe	katha	فاعلی
kanthe	kantho	مفعولی
kamthānu	kīnthe	اضافه - برایی
'hīnyau(jsa)	kīnthejsa	بایی - ازی
kanthuvo'	kīntha	دری
_____	'divatā	ندایی
'hālstā	mulysdā	فاعلی
hālstā	mulšdu	مفعولی
hālstānu	mulšde	اضافی - برایی
bā'yyau(jsa)	mulšdejsa	بایی - ازی
'tcārimuvo'	'balysūsta	دری
_____	_____	ندایی

اسامی مختوم به همخوان‌ها به گروه‌های -nd- un- n- (خنثی)، -n- (صفت)، -u- h- تقسیم می‌شوند.

نمونه صرف واژه -rrund(a) «شهریار»:

۱. واژه‌های -āha «دهان»، -gyasta «خدا»، -divatā «ایزدبانو»، -hīnā «ارتش»، -balysūsti «روشنی»، -hālsti-

«نیزه»، و -tcārami «فضا»، برای حالت‌های مورد نظر آمده‌است.

مفرد	جمع	
rrre	rrrundä	فاعلی
rrrundü	rrrundä	مفعولی
rrrundi	rrrundunu	اضافی - برایی
rrrundäna	rrrundyau	بایی - ازی
_____	_____	دری
rrre	rrrundyau	ندایی

### صرف فعل :

سیستم زمانی در این زبان به دو زمان حال و گذشته تقلیل یافته است. این زبان همچون اوستایی، دارای وجوه اخباری، التزامی، تمنایی، انشایی و امری است؛ دارای دو شمار مفرد و جمع که رد پای از مثنی در آن دیده نمی شود و نیز دارای سه شخص است. افعال در دستگاه های معلوم و میانه<sup>۱</sup> و با پایانه های ویژه خود صرف می شوند. فقط چند فعل هستند که با هر دو پایانه صرف می شوند؛ چنین افعالی در غالب موارد، در صرف معلوم، متعدی، و در صرف میانه، لازم هستند. به عنوان مثال -bar در معلوم «حمل کردن» و در میانه «سوار شدن» است. پایانه ها شامل پایانه های اولیه و ثانویه و مشتق از ایرانی باستان است. پایانه های ثانویه معمولاً کم تر در زمان گذشته به کار می روند، زیرا غالباً آن ها با اسم مفعول ها به اضافه صورت های فعل -ah «بودن» بیان می شوند.

بخش اعظم ستاک های حال -a دار هستند که با پسوندهای -a، -ya، -aya ساخته می شوند که در مواری میانوند -n دارند. -aya به طور معمول سببی و جعلی ساز است. ماده مجهول دارای پسوند -ya و معمولاً پایانه میانه دارد. ماده آرزویی نیز -s دارد.

وجه انشایی فقط در چند مورد در ختنی قدیم دیده می شود که از ستاک حال با پایانه های ثانویه ساخته می شود و برای بیان قصد و خواست انجام عملی و یا امری مؤدبانه و نیز به عنوان گذشته مطلق به کار می رود. بقایای صورت قدیم زمان گذشته در وجه انشایی دیده می شود.

۱. یا ناگذر: صورتی که نتیجه فعل به خود شخص می رسد.

وجه التزامی و تمنایی اغلب با یکدیگر مترادفند. وجه اخباری غالباً با مفهوم فعل وجهی برای بیان میل و آرزو به کار می‌رود، در حالی که تمنایی ممکن است برای بیان تکرار عملی در گذشته به کار رود.

دو نمونه صرف فعل، -puls «پرسیدن» در وجه اخباری معلوم، و -hämä «شدن، بودن» در وجه اخباری میانه:

مفرد معلوم	جمع معلوم	
pulsimä	pulsämä	اول شخص
pulsi	pulsta	دوم شخص
pulstä	pulsindä	سوم شخص
مفرد میانه	جمع میانه	
häme	hämämane	اول شخص
häma	—	دوم شخص
hämäte	hämäre	سوم شخص

تنها نمونه برای دوم شخص جمع میانه اخباری در متون، (vastäta «ایستادن»)- vasta آمده است.

سیستم زمان گذشته به دو صورت صرفی نقلی لازم و متعدی ظاهر می‌شود. برخی زبان‌شناسان آن را گذشته می‌نامند. دو صورت صرفی یاد شده دارای پایانه‌های ویژه خود، با توجه به مذکر و مؤنث بودن فاعل است. در نقلی متعدی جنس در حالت جمع مطرح نیست.

#### کتابنامه

- ابوالقاسمی، محسن و دیگران، ۱۳۶۴ ش، قاموس - (دفتر نخست: آ - آپوفیس)، بنیاد قرآن، تهران.
- تفضلی، احمد، ۱۳۷۶ ش، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، سخن، تهران.

Dresden, Mark J, 1970, "Khotanese", *Current Trends in Linguistics*, Paris, p. 58-61.

Emmerick, Ronald E, 1989, "Khotanese and Tumshuqese", *Compendium Linguarum Iranicarum*, Ludwig, Reichert Verlag, Wiesbaden, pp. 204-29.

—————, 1968, *Saka Grammatical Studies*, Oxford University Press, London.

Konow, Sten, 1949, *Primer of Khotanese Saka*, H. Aschehoug & Co. (W. Nygaard), Oslo.



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فرانسېزې  
پرتال جامع علومو انساني